خط حزب‌الله
نشریه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال پنجم، شماره ۲۳۳ | هفته دوم اردیبهشت ۹۹ | چاپ و توزیع به همت نیروهای مومن و انقلابی
KHAMENEI.IR
نشریه جامعه مؤمن و انقلابی
صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای)
ارتباط با خط حزب‌ا...
پیامک: ۱۰۰۰۱۰۲۸ ایتا: eitaa.com/khattehezbollah گپ: Gap.im/KhatteHezbollah
رایانامه: Khat@khamenei.ir بله: ble.im/khattehezbollah سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah

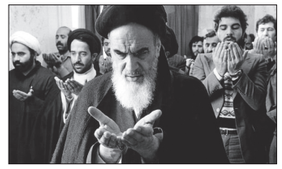

درس | اخلاق

این آدم پیش خدای متعال سعادتمند نیست

اگر کسی درآمدی کسب کرد، ولی حتّی انفاق مستحب نکرد، او پیش خدای متعال مؤاخَذ است. ما نمی‌توانیم بگوییم که انفاق واجبمان را کردیم، مالیاتمان را دادیم، خمس و زکاتمان را هم دادیم، از این پول نمی‌خواهیم خرج کنیم؛ در حالی که می‌دانیم در جامعه فقر و کمبود هست؛ نخیر، این آدم پیش خدای متعال سعادتمند نیست؛ مرضی عندالله نیست؛ برای خاطر این‌که آن حساب‌های الزامی جداست؛ باب دیگر و جریان دیگری است. انفاقات استحبابی را هم برای ما قرار داده‌اند. مستحب است، یعنی آن حکم واجب را ندارد که من در هر موردی لزوماً این کار را بکنم؛ اما اگر کسی بالمرّة باب این مستحب را بر روی خودش ببندد، بلاشک خلاف اراده و خلاف اقتضای احکام الهی کار کرده است؛ ما باید این را به مردم تفهیم کنیم. باید کاری بشود که هرکس خودش را موظف بداند که انفاق کند.● ۷۰/۱۲/۱۴

مطالبه | رهبری

از دعا و تضرع در تنهایی غفلت نکنید

در غیاب جلسات عمومی ماه رمضان -که این جلسات عمومی، جلسات دعا، جلسات سخنرانی، جلسات توسّل، بسیار مغتنم بود و امسال علی‌القاعده محرومیم از این جلسات- از عبادت و تضرّع و خشوع در تنهایی غفلت نشود؛ ما می‌توانیم در اتاق خودمان، در خلوت خودمان، در میان خانواده و فرزندان خودمان، همین معنا را، همین توجّه را، همین خشوع و خضوع را به وجود بیاوریم و البتّه در برنامه‌های تلویزیون مواردی هم پخش می‌شود که از آن هم می‌شود استفاده کرد و بایستی این کارها را انجام بدهیم. ● ۹۹/۱/۲۱

خدایا به ما لیاقت ورود شایسته به مهمانی ات را بده!

خدایا! ما بندگان ضعیف هستیم، ما بندگانی هستیم که هیچ نداریم، ما هیچیم و هرچه هست تویی. ما اگر چنانچه خلاف می‌کنیم نادانیم، تو بر ما ببخش. تو ما را به این ماه مبارک رمضان وارد کن به طوری که با رضای تو وارد بشویم در او. خدایا! تو ما را لیاقت بده که در این مهمانی که از ما کردی به‌طور شایسته وارد بشویم. خدایا! این ایران که از همه اطراف به او هجوم شده است، برای اسلام، این ایران را تو تقویت کن. ● ۶۳/۳/۹

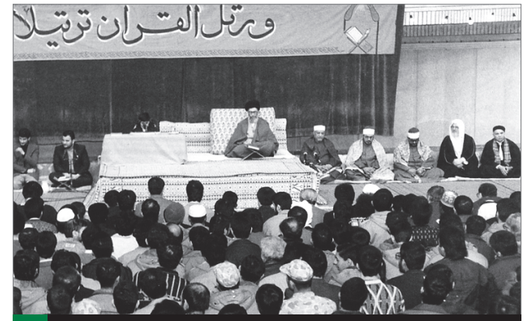

محفل انس با قران در محضر رهبر انقلاب با حضور قاریان معروف مصری، محمود شحات محمدانور، ابوالعینین شعیشع و متولی عبدالعال، بهمن ۱۳۷۰

جلسات قرآنی خانگی را ترویج کنید

یکی از کارهایی که خیلی مهم است، عبارت است از اینکه ما دوره‌های قرآن را، جلسات قرآن را زیاد کنیم... یکی همین دوره‌های خانگیِ قرآن بود، یکی همین قرآن [خواندن] در مساجد یا در حسینیّه‌ها بود... دو جور هم می‌شود جلسه‌ی قرآنی تشکیل داد: یکی همین که دُور هم جمع بشوند و یک استادی بنشیند آنجا، بخوانند، قرآنِ افراد را تصحیح کند... یک جور هم این است که جمع بشوند، یک نفر برود روی منبر، بنا کند قرآن خواندن، و نیم ساعت، یک ساعت قرآن بخواند... شما هم بنشینید گوش کنید، [قرآن را] باز کنید، از روی قرآن نگاه کنید که این کار البتّه یواش یواش معمول شده. ● ۹۸/۲/۱۶

خانواده | ایرانی

خانواده‌ها سعی کنند که اسراف نکنند

می‌خواهم این مطلب را ملت عزیزمان بدانند که اسراف، فعل حرام است؛ گناه است؛ خلاف شرع است؛ آنجایی که اسراف باشد و اسراف مال و اسراف نعمت‌های الهی انجام گیرد، تضییع و تلف کردن نعمت است. تصمیم بگیرید این کار را نکنید. البته خانواده‌های کم درآمد، شاید وسع‌شان هم نرسد که بخواهند اسراف کنند؛ اما خانواده‌های پردرآمد و حتّی بسیاری از خانواده‌های متوسّط، متأسفانه اسراف می‌کنند. من این جمله را عرض کردم، بر آن تأکید و پافشاری می‌کنم و خواهشمندم که ملت عزیزمان، این سخن را مورد توجّه قرار دهند، به آن اهمیت دهند، برای آن حسابی باز کنند و سعی‌شان بر اسراف نکردن باشد.● ۷۲/۱/۴

حزب‌الله این است

همسایه‌ها را فراموش نکنید

اگر هرکس [از آحاد مردم] همان چهل همسایه‌ای را که در شرع مقدس اسلام هست، رسیدگی کند، به نتیجه‌ی خوبی خواهیم رسید. البته حالا واقعاً لازم هم نیست که هر چهل خانه را برویم و رسیدگی کنیم؛ چون دایره‌ی وسیعی می‌شود؛ اما بالاخره یک همسایه، دو همسایه، سه همسایه را در نظر بگیریم و آنها را یا تأمین کنیم، یا کمک کنیم، یا راه بیندازیم و از دیگران مستغنی‌شان بکنیم. اگر این روح نیکوکاری و انفاق در مردم به وجود بیاید، خوب است... یک روز در کشور ما و سایر کشورهای اسلامی این روحیه همه‌گیر بوده است؛ یعنی هرکسی موظف بوده که پولی برای انفاق کنار بگذارد؛ یا رایج بوده که در ماه رمضان به نیازمندان افطاری بدهند؛ نباید بگذاریم این کارها کم بشود.● ۷۰/۱۲/۱۴

اصول | عدالت‌خواهی

رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی ارزشی ندارد

عدالت اجتماعی، اساس است. اگر رونق اقتصادی در کشور باشد، اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد؛ همچنان که امروز در بسیاری از کشورها شما ملاحظه می‌کنید... ما که این را نمی‌خواهیم. ما در جامعه فقط رونق اقتصادی را نمی‌خواهیم. ما رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را می‌خواهیم. البته نمی‌گوییم عدالت اجتماعی باشد، اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آن‌جایی که هیچ رونق اقتصادی نیست، عدالت اجتماعی عامل چندان مهمی نیست و درعین‌حال جامعه به رفاه و به برخورداری لازم نخواهد رسید. اگر عدل اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی باشد، جامعه شکوفا خواهد شد.● ۷۹/۲/۱۴

روایت | پیشرفت

انقلابی که دینداری را گسترش داد

دست‌هایی - تبلیغات دروغین و گاهی احمقانه و گاهی خبیثانه - می‌خواهند این‌طور وانمود کنند که مردم در سابق، از حالا دین‌دارتر و با اخلاق‌تر بودند! این، دروغ است... آن سابقی که ما یادمان است - پنجاه سال قبل، چهل سال قبل، سی سال قبل - انسان که در ماه رمضان به شهر تهران وارد می‌شد، اصلاً حال و هوای روزه در این شهر نبود! مردم راه می‌رفتند و راحت سیگار می‌کشیدند، غذا می‌خوردند، ساندویچ می‌خوردند! اصلاً کسی احساس نمی‌کرد که این‌جا روزه است! مشهد که شهری مذهبی بود - ما در مشهد بودیم - مردم راحت و علنی روزه می‌خوردند؛ کأنّه در بعضی از بخش‌های شهر، اصلاً ماه رمضان نیامده است!... امروز شما نگاه کنید! همه‌جا روزه‌دار است، همه جا در حال ذکر و در حال توجّه است و بهترین روزه‌داران از میان جوانانند. ● ۷۶/۱۰/۱۲

۲۳۳
خط حزب‌الله
هفته‌نامه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال پنجم، شماره ۲۳۳ | هفته دوم اردیبهشت ۹۹
KHAMENEI.IR

اطلاع‌رسانی

پای کلاس درس تفسیر قرآن آیت‌الله خامنه‌ای | (۱)

ایمان باید آگاهانه باشد

۲

دغدغه همیشگی رهبر انقلاب از محله «پایین خیابان» مشهد تا حسینیه امام خمینی (ره)

باید به قرآن مراجعه کنیم

سخن هفته

چند سال بیشتر از عمر «سید علی» نمی‌گذشت که اولین کلاس قرآنش را خانه، و پای درس نکته‌های قرآنی مادرش آغاز کرد: «زادگاه مادرم نجف است. ایشان لهجه‌ی عربی داشت. در کودکی، با لهجه‌ی عربی نجفی حرف می‌زده است. با قرآن آشنا بود. قرآن را خوب و با صدایی جالب تلاوت می‌کرد. بر قرائت کلام الله مجید با قرآن اهدائی پدرش مداومت روزانه داشت. شیوه‌ی قرائت ایشان، ما را در آن کم سن و سالی به خود جذب می‌کرد. پیرامونش گرد می‌آمدیم و به تلاوتش گوش می‌کردیم. ایشان هم از فرصت استفاده می‌کرد، معانی برخی آیات را برای ما به فارسی ترجمه می‌کرد و داستان‌های پیامبران را برایمان بازمی‌گفت.»

بعدتر سید علی، وقتی وارد مدرسه شد، به خاطر صدا و لحن دلنشینش، شد قاری قرآن مدرسه. برای همین پدرش، «آقا سید جواد»، برای آشنایی بیشتر با قرآن و یادگیری تجوید، از حاج رمضان بنکدار خواست به او و برادرش آموزش دهد. بعد از او نیز، ملاعباس که بزرگ‌ترین استاد قرائت قرآن مشهد بود، آموزش را برای آن دو ادامه داد و سیدعلی تمام قواعد تجوید را از او فرا گرفت. چند سال بعد، در سن دوازده سالگی، حالا دیگر سید علی خودش شده بود استاد کلاس قرآن. عکسی از آن دوران موجود است که سید علی در پشت آن چنین نوشته بود: «۱۲ سالگی، کلاس ششم ابتدایی... روز جمعه پس از پایان جلسه‌ی قرائت قرآن که استاد آن من بودم و قراء آن، شاگردان مدرسه‌ای که من دانش‌آموز آن بودم...»

● مؤانست همیشگی با قرآن

مؤانست سیدعلی با قرآن همین‌طور ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۴۳ (۲۵ سالگی) اولین کلاس رسمی تفسیر قرآن او، در بین اهالی محله‌ی معروف به «پایین خیابان» مشهد کلید خورد و از آن روز تا به حال، این مؤانست و همنشینی و بهره‌گیری از معارف ناب قرآنی، در سراسر زندگی فردی و اجتماعی او (چه آن زمان که در قامت طلبه‌ای انقلابی در جریان نهضت امام خمینی (ره) فعالیت می‌کرد، و چه بعد از انقلاب در کسوت نمایندگی مجلس و ریاست‌جمهوری و رهبر جامعه‌ی اسلامی) مشهود است به‌طوری که شاید کمتر سخنرانی بتوان از او یافت که در آن آیه‌ای از قرآن، یا ارجاعی به آن وجود نداشته باشد.

چرا دغدغه‌ی همیشگی «سیدعلی خامنه‌ای» در طول دوران حیاتش، توجه جامعه به ارتباط با قرآن و نزدیکی هرچه بیشتر به آن بوده است؟ یکی از دلایل آن، بی‌تردید «مهجوریت معارف قرآنی» در زندگی روزمره‌ی مسلمان‌ها است. می‌دانیم که در آموزه‌های دینی تأکید زیادی بر انس با قرآن شده است. این مؤانست اما جهت و هدفی دارد و آن، فهم صحیح قرآن، و نهایتا «رفتاری قرآنی» است. مع‌الاسف اما مهجوریت قرآن نه تنها در جامعه، که حتی به نوعی به حوزه‌های علمیه و برخی عالمان دینی هم سرایت کرده است.

عکس‌نوشت | ۴
جلسات قرآنی خانگی را ترویج کنید

خاطرات رهبری | ۲
یك افطاری خوشمزه در زندان!

درس اخلاق | ۴
این آدم پیش خدای متعال سعادتمند نیست

شهیدی که خستگی را خسته کرده بود | این شماره تقدیم می‌شود به روح مطهر شهید شیخ مهدی شاه‌آبادی

شهید شاه‌آبادی یکی از افتخارات روحانیت مبارز ما بود. یک انسان پاکباز، بااخلاص، فداکار، کاری و نستوه و خستگی‌ناپذیر و خوش‌روحیه. من به خوش‌روحیه‌گی این انسان کم آدم دیدم با آن سوابقی که در مبارزه داشت که بنده از سال چهل و دو و چهل و سه یادم است که این شهید عزیز در مبارزات بود... او یک انسان مبارز، فعال، فداکار، علاقه‌مند و سخت‌کوش بود که هرگز از کار خسته نشد و اما بعد از آنی که انقلاب پیروز شد، این انسان گوئی که برایش خواب و استراحت و راحتی معنی ندارد. یک انسان نمونه و استثنائی بود. یکبار من یادم نمی‌آید در طول این دوستی چندین ساله‌ای که با این شهید عزیز داشتیم که ببینم از کار خسته شده. آثار کسالت و انزجار از کار را من هرگز در چهره‌ی این مرد عزیز و بزرگوار ندیدم. ● ۶۳/۳/۱۸

تاریخ شهادت: ۶ اردیبهشت ۶۳، شب شهادت حضرت موسی بن جعفر (ع) | شهادت: جزیره‌ی مجنون | مزار: گلزار شهدای بهشت زهرای تهران، مزار شهدای هفتم تیر

خاطرات | رهبری

یك افطاری خوشمزه در زندان!

ماه مبارک رمضان ۱۳۹۰ (قمـری) در زندان از راه رسید. دهم آبان، اول ماه مبارک بود... با فرا رسیدن این ماه، دلم غرق شادی شـد؛ چون از کودکی این ماه را دوست می‌داشتم. در این ماه، چهره‌ی زندگیِ روزمرّه دگرگون می‌شـود و انسـان روزه‌دار لذّت معنوی خاصّی را احساس می‌کند. نخستین روز ماه رمضان سپری شد، هنگام افطار فرا رسید، امّا چیزی برای من نیاوردند... نماز را خواندم و به سـیر در عالم خاطرات این مـاه - بویژه خاطرات سـاعت افطار و شـادمانی روزه‌داران در هنگام افطار - پرداختم. آن لحظات شادی‌آور و فرح‌افزای سر سفره‌ی افطار در کنار خانواده، با سماوری که در برابر ما می‌جوشید، در خاطرم گذشت. همچنین آن خوردنی‌های اندک و سبک مخصوص افطار را به یاد آوردم؛ بویژه «ماقوت» را - غذای معروف مشهدی‌ها که ظاهراً مختصّ خود آنها است - به یاد آوردم؛ که از هر غذایی برای افطار، آن را بیشتر دوست می‌داشتم. این «ماقوت» از آب و نشاسته و شکر تهیّه می‌شود و به شیوه‌ی خاصّی آن را می‌پزند. همسر من نیز در پختن آن، همانند پختن سایر غذاها، بخوبی وارد است. ناگهان به خود باز آمدم و از خداوند مغفرت طلبیدم. شاید این گرسنگی بود که خاطرات یاد شـده را در ذهنم برانگیخت. شاید هم علّت، تنهایی بود. به هر حال باید صبر کرد. نیم ساعت پس از مغرب، یک فنجان چای به دست آوردم. مدّتی بعد شـام آوردند، که به خاطر نامرغوبی، دل بدان رغبت نمی‌کرد. امّا قدری از آن را خوردم و بقیّه را برای سحری گذاشتم. در سحر هم مابقی آن را با اکراه خوردم، زیرا این غذا از اصل نامطبوع بود و بعد از مانده شدن نیز نامطبوع‌تر شده بود. نخستین روز بر این منوال گذشت.

روز دوّم، نگهبـان اطّلاع داد که چیزی برای شـما فرستاده شـده. آن را گرفتم و باز کردم، دیدم انواع غذاهایی که در افطار به آنها میل دارم، در چند بشقاب برایم فرستاده شده اسـت. این غذاها برای چند نفر کافی بود. همسرم آن را آماده ساخته بود و توانسته بود به زندان برساند. همچنین در همان روز، از منزل برایم وسـایل تهیه و صرف چای آوردند. لذا افطاریِ خوشـمزه و مطبوعی بود که به قـدر کفایت از آن برداشتم و باقی را برای زندانیان فرستادم. این کار هر روز تکرار شد.● منبع: خون دلی که لعل شد

پای کلاس درس تفسیر قرآن
آیت‌الله خامنه‌ای | (۱)

ایمان باید آگاهانه باشد

یکی از آثار ماندگار رهبر انقلاب در سـاحت معرفت و اندیشـه، مجموعه‌ی سخنرانی‌های روزانه‌ی ایشان، در مسجد امام حسن(ع) مشهد در سال ۱۳۵۳ است که با نام «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن» منبعی استثنایی برای جویندگان معارف قرآنی است. نشریه‌ی خط حزب‌الله در ماه مبارک رمضان مـرور مختصر و کوتاهی دارد بر برخی واژگان و مفاهیم مهم مطرح شده در این جلسات. در این شماره از نشریه، دو موضوع «تقوا» و «ایمان» مرور شده است.

تقوا

۱- یاد خدا ریسمان نجات ماست

یک آیه‌ای اسـت، خیلی عجیب است در قرآن، در زمینـه‌ی تذکر پیدا کردن؛ «إِنَّ الّذینَ اتَّقَوا»، این هم برای با تقواها اسـت اتفاقاً، «إِنَّ الّذینَ اتَّقَوا اِذا مَسَّهُم طائِفٌ مِنَ الشَّـیطانِ تَذَکَّـروا»، وقتی یک گروهی شـیطان و شیطان صفت او را احاطـه می‌کنند تا گمـراه کنند، تا از راه به در ببرند، تا او را به فراموشـی بیندازند، «ذَکَرُوا الله» فـوراً به یاد خدا بیفتد انسان. یاد خدا یک چنین چیزی است. یاد خدا حربه‌ای است در دست ما علیه شیطان‌ها، یاد خدا ریسمانی است در اختیار ما، برای نجات از ورطه‌ای که دشـمنانِ هوشـیاریِ ما، در برابر ما به وجود آورده‌اند.

۲- عالِم اسلامی رهبانیت ندارد

قرآن می‌فرماید: «و رَهْبانِیَّةً ابْتَدَعُوها ما کَتَبْناها عَلَیْهِمْ»، رهبانیتی که آنان از خـود درآوردند، به صورت بدعتی آن را ایجاد کردند؛ ما بر آنان رهبانیت را ننوشته بودیم. اما عالِم اسلامی رهبانیت ندارد، گوشه‌گیری ندارد، فرار ندارد. عالِم اسلامی همانی اسـت که سعی می‌کند که بگیرد غریق را. یک فرد آگاه مسلمان، هر انسان مسلمان -که مسـلمان بودن و مسـئول بودن با یکدیگر لازم و ملزوم هسـتند - همین‌جور است؛ سعی می‌کند غریق را، وَبازَده را، بیمار را، نجات بدهـد؛ اینکه با فرار جور در نمی‌آید. خودش را متقی می‌کند، دارای تقوا؛ یعنی آن تجهیز لازم را، آن زره لازم را، در مقابل آسیب گناه بر تن می‌پوشد و وارد منطقه‌ی گناه می‌شود، برای دستگیری گناهکاران؛ خلاصه، تقوا این است.

۳- تقوا وسیله پیروزی است

تقوا وسیله‌ی پیروزی است. آن کسی که می‌خواهد بر این بیماری، در این منطقه پیروز بشود، اگر همواره بترسد که نبادا این میکروب در جسم او اثر بگذارد، این چطور می‌تواند میکروب‌زده‌هـا و وبازده‌ها را نجات بدهد؟ باید خودش را خاطرجمع کرده باشد؛ باید از خـودش خاطرجمع باشـد، بعد وارد منطقه‌ی وبازده بشود و دیگران را نجات بدهد؛ آن وقت است که به پیروزی هم خواهد رسید. آن وقت اسـت این کار هم بـه راحتی انجام خواهـد داد. «واتَّقُوا الله»، تقوای خدا پیشـه کنیـد، «لَعَلَّکُم تُفلِحونَ»، مگـر پیروزمند و رستگار و موفق گردید.

ایمان

۱- ایمان همراه با اطاعت است

«وَأَطِیعُواْ اللهَ وَ الرَّسُـولَ لَعَلَّکُـم تُرْحَمُونَ»، آن کسی که امروز منکر خداست، عملش با عمل آن کسانی که مدعی خدایند چه تفاوتی دارد؟ هر دو ظلم می‌کنند. هـر دو در مادیات تا خرخره غرق شـدند. هر دو برای این چند صباح زندگی، چند روز دیگر بیشتر نفس زدن و دو لقمه‌ای خوردن و فضا را متعفّـن کردن، برای دو صباح بیشـتر راحت زیستن، حاضرند همه‌ی فضیلت‌ها را زیر پا بگذارند. منتها این یکی صاف می‌گوید من به خدا معتقد نیستم، آن دیگری مدعی است که به خدا معتقد است. این چه جور ایمانی است؟ آیه‌ی قرآن در اینجا صریح اسـت. اینجا دیگر حساب استدلال‌های عقلی نیست که شبهه بردارد؛ باید این کارها را انجام بدهیـد، اگر مؤمنید. و یکی از این کارها، «اَطیعُوا اللهَ و الرّسولَ» خدا و پیامبر را اطاعت کنید، دنبال فرمان آنها راه بیفتید.

۲- ایمان باید آگاهانه باشد

آن ایمانی که فـلان مرد مسـلمان دارد، برای نگه داشتنش باید بگوییم روزنامه نخواند، فلان کتاب را نخواند، در کوچه بازار راه نـرود، با فلان کس حرف نزند، سـرما و گرما نخورد، آفتاب و مهتاب نبیند، تا بماند؛ این ایمان متأسـفانه نخواهـد ماند. ایمانی لازم اسـت که آنچنان آگاهانه انتخاب شـده باشد که در سخت‌ترین شـرایط هم آن ایمان از او گرفته نشـود. «اِلّا مَن اُکرِهَ وَ قَلبُهُ مُطمَئِـنٌ بِالایمانِ». درباره‌ی عمار یاسـر، آیه‌ی قرآن می‌گوید: اگر در زیر شـکنجه، برای خاطر آنکه دشـمن را از خود لحظـه‌ای منصرف کنی، یک جملـه گفتی، بگو، ایمانِ تو ایمانی نیست که با شکنجه از قلبت زائل بشـود. آن ایمانی که خَبّاب بن اَرَت دارد، آهن را داغ می‌کنند به گردنش می‌چسـبانند، شوخی نیست، آهن گداخته را به بدنش نزدیک می‌کردند و به پوست بدنش می‌چسانیدند، این به خاطر آن ایمان آگاهانه‌ی عمیقش، دست بر نمی‌داشت، ایمان این است.

۳- چنین ایمانی در اسلام مطلوب است

این کسـانی که فهمیده اند که در این جهـان به بیهوده نیامده‌اند و این جهان به بیهوده آفریده نشده است، ادامه‌ی سـخن می‌دهند می‌گویند «رَبّنا» ای پـروردگارِ ما «اِنّنا سَمِعنا» ما شنیدیم و فهمیدیم، با گوشِ تن و با گوشِ دل، «مُنادیاً» منادی و غریودهی را که «یُنادی لِلایمانِ» برای ایمان ندا می‌کرد، صَلای ایمان می‌داد، «اَن آمِنوا بِرَبِّکُم» می‌گفت به پروردگارتان ایمان بیاورید، «فَآمَنّا» آن وقت ما ایمان آوردیم. چه جور ایمانی آوردند اینها؟ یک نفر گفته ایمان بیاورید، ایمان آوردنـد؟ نه؛ اینها همان اولی الالبابند، همان متفکرانند. این منادی ممکن است به ظاهر پیغمبری باشد، اما در باطن، پیامبر عقل و تفکر و بینش آنهاسـت که آنها را به سوی ایمان خدا فرامی‌خوانـد و دعوت می‌کند. پس منادی به آنها گفته ایمـان بیاورید، آنها از روی بینش، از روی درک، از روی شعور و آگاهیِ کامل ایمان آوردند. این جور ایمانی در اسلام مطلوب است: ایمان آگاهانه.

سخن هفته

موضوعی که رهبر انقلاب در جلسـات تفسیر قرآن مسجد امام حسـن(ع) در سـال ۵۳، به آن اشاره کرده و نسبت به آن چنین گلایه می‌کنند: «وای به حال آنهایی که مردم را از قرآن دور می‌کنند، از قرآن می‌رَمانند، به بهانه‌ها و معاذیر گوناگون، نمی‌گذارند مردم قرآن را باز کنند به قصد فهمیدن، وای به حالشان! و شما بدانید برادران و خواهران، که امروز سـر و کار ما با قرآن است. همانطوری که پیغمبر خدا فرموده است: «فَاِذَا التَبَسَت عَلَیکُم الفِتَنُ کَقِطَعِ اللَّیلِ المُظلِمِ فَعَلَیکُم بِالقُرآنِ» آن روزی که فتنه‌ها مثل پاره‌های شب سیاه بر زندگی شما سایه بیفکند، بر شما باد به قرآن. کِی است آن روز؟ فتنه‌های تاریک مثل شب را نمی‌بینیم؟ راه‌های عوضی را در مقابل چشم‌های نابینا و نزدیک بینمان مشاهده نمی‌کنیم؟ دزدان و غول‌ها و راهزن‌ها را از هر سویی و به هر شکلی، چشم بینا نمی‌بیند؟ پس کی باید به قرآن رجوع کرد؟ برای کِی است؟ برای وقتی که امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) بیاید؟ او که خودش قرآن ناطق است؛ امروز روزی است که به قرآن مراجعه باید بکنیم.»

● سه خصوصیت مهم بحث‌های فکری اسلامی

دلیل دیگر این دغدغه‌ی همیشگی رهبر انقلاب را نیز شاید بتوان در سـه خصوصیت مهمی که ایشان در بحث‌های فکری اسـلامی، ضرورتی تخلف‌ناپذیر از سوی متفکران آگاه ذکر می‌کند و در مقدمه‌ی کتاب «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن» نیز به آن اشـاره می‌کند فهمید: یکی از آنها اینکه در فهم اصول اسـلامی، مدارک و متون اساسی دین، اصل و منبع باشد نه سـلیقه‌ها و نظرهای شخصی و اندوخته‌های ذهنی و... . ایشـان سپس قرآن را کامل‌ترین و موثق‌ترین سـند قابل اتکا برای فهم اصول دینی معرفی می‌کنند. این ویژگی در کنار دو ویژگی ضروری دیگر یعنی ۱) خروج معارف از تجرد و ذهنیت محض، و ناظر به تکالیف عملی و به‌ویـژه زندگی اجتماعی بـودن، و ۲) ملاحظه‌ی مسائل فکری اسلامی به‌صورت پیوسته و اجزای یک واحد، موضوعاتی است که موجب می‌شود نیاز جامعه‌ی اسلامی و مسئولان و حاکمان آن به قرآن، به‌صورت مستمر وجود داشته‌باشد.

به همین علت، آیت‌الله خامنه‌ای حتـی در دوران رهبری، و با همه‌ی مشـغله‌ها و کارهای عدیده‌ای که دارند، باز هم اهتمام به قرآن در رفتار فردی و اجتماعی ایشـان مشهود اسـت. از قرائت روزانه و مداوم قرآن، تا حفظ کردن آن، تا جلسات تفسیر قرآن که در دوره‌ی ریاست جمهوری و اوایل رهبری وجود داشت، تا دیدار ثابت با قاریان و حافظان قرآن در اولین روز ماه مبارک رمضـان، و از همه‌ی آنها مهم‌تر، اسـتفاده‌ی از معارف و اصول قرآنی در تحلیل رویدادهای داخلی و بین‌المللی، و اتخاذ مواضع بر اسـاس آن، همه و همه، جلوه‌هایی از اهمیت قرآن در سیره‌ی رفتاری ایشان است. از همین روی، نه تنها نخبگان و متفکران، بلکه آحاد جامعه‌ی اسلامی و مخصوصا نیروهای انقلابی، باید حداکثر تلاش‌شان را برای نزدیک شدن به قرآن، و فهم معارف قرآنی و تطبیق رفتار خود با این تعالیم به کار گیرند. دو سه روزی بیشتر تا ماه بهار قرآن نمانده است، ماه رمضان فرصت خوبی است برای همنشـینی و نزدیکی بیشتر به این چشمه‌ی لایزال خدایی.●